

فرا تحلیل (Meta Analysis) در دنیای علمی امروز جایگاهی ویژه دارد. فرا تحلیل را به عنوان یک روش در علوم اجتماعی و تا اندازه‌ای در علوم انسانی می‌شناسند. فرا تحلیل، برآیند پژوهش‌ها و تحلیل‌های گذشته برای دستیابی به نتایج کلی و کاربردی است. این روش در حوزه مطالعات رسانه‌ای نیز دارای توانایی‌های قابل توجهی است. فرا تحلیل می‌تواند به عنوان برآیندی از پژوهش‌های مختلف در حوزه رسانه، زمینه مناسبی جهت برنامه‌ریزی‌های رسانه‌ای برای مدیران فراهم کند. همچنین می‌توان با استفاده از روش فرا تحلیل، نقدها و پژوهش‌هایی را که در مورد برنامه یا ایستگاه رادیویی خاصی تدوین شده‌اند، به صورت سیستماتیک در ارزیابی آن برنامه یا ایستگاه به‌کار برد. در صورت اخیر روش فرا تحلیل می‌تواند به منظور شناخت محتوا و نقاط قوت و ضعف برنامه مورد استفاده قرار گیرد.

روش‌های متداول در کشور ما برای شناخت و ارزیابی محتوا و نقاط قوت و ضعف برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، تحلیل محتوا و نیز تحلیل گفتمان هستند. در این مقاله می‌کوشیم روش فرا تحلیل را به عنوان روشی کارآمد برای شناخت و ارزیابی محتوا و نقاط قوت و ضعف برنامه‌ها و ایستگاه‌های رادیویی معرفی کنیم. همچنین این روش را با روش‌های متداول تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان مقایسه می‌کنیم و مزیت‌های خاص این روش را نشان می‌دهیم. در پایان نیز به‌طور مختصر به شیوه انجام فرا تحلیل و مراحل و سختی‌های آن می‌پردازیم و پیشنهادهایی برای نهادینه کردن این روش تحقیق برای استفاده از نظرات نخبگان علمی، هنری و... در ارزیابی برنامه‌های رادیویی ارائه می‌دهیم.

روش فرا تحلیل

در بررسی برنامه‌های رادیویی

محمد حسین زاده

پژوهشگر و کارشناس ارشد انسان‌شناسی



فرا تحلیل چیست؟

در اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی وضعیت پژوهش‌های انجام‌شده در علوم اجتماعی و انسانی موجب نگرانی اندیشمندان و صاحب‌نظران این عرصه شد. در این علوم که موضوع آنها انسان است، «پدیده‌های مورد پژوهش در خیلی از موارد به سختی تعریف می‌شوند. روش‌های دستکاری و مداخله از پژوهشی به پژوهش دیگر متفاوت و امکان کنترل محیطها و شرایط مختلف آزمایشی بسیار دشوار است. عوامل محیطی مختلف از جمله آداب و رسوم و فرهنگ، موضوع اصلی مورد پژوهش یعنی انسان را دربرمی‌گیرند و او هم فعالانه در برابر آنها واکنش نشان می‌دهد. این مسئله با افزایش حجم پژوهش‌ها دشوارتر می‌شود». محققان در اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی برای حل این بحران اقدام به ابداع روشی کردند که «به کمک آن می‌توان تفاوت‌های موجود در پژوهش‌های انجام‌شده را استنتاج کرد و در دستیابی به نتایج کلی و کاربردی از آن بهره جست». این روش که به فرا تحلیل شهرت یافت، در واقع شیوه تفکر در ترکیب پژوهش‌هاست. (دلاور، ۱۳۸۰: ۶-۲۸۵)

اصطلاح «فرا تحلیل» را اولین بار گلاس، رئیس انجمن تحقیقات آموزشی آمریکا، در سال ۱۹۷۶ به کار برد. وی فرا تحلیل را به این صورت توضیح داد: «رویکردی که به ادغام و ترکیب پژوهش‌ها با عنوان فرا تحلیل توجه دارد، چیزی بیش از روشی برای تحلیل داده‌ها نیست که در آن داده‌های متعلق به تجارب افراد به صورت کمی خلاصه می‌شود... اصل اساسی و عملی در روش عبارت است از ترکیب نتایج پژوهش‌های مختلف و استخراج نتایج جدید و منسجم و حذف آنچه موجب سوگیری در نتایج می‌شود. فرا تحلیل، تحلیل تحلیل‌هاست؛ به این معنی که از طریق تحلیل اولیه، تحلیل مقدماتی داده‌ها به تحلیل ثانویه (تحلیل مجدد داده‌ها) می‌پردازد.» (همان: ۲۸۷)

بنابراین آنچه فرا تحلیل بر آن تکیه دارد، عبارت است از جمع‌آوری یافته‌های پژوهش از مطالعات منفرد و پراکنده با هدف ترکیب و یکپارچه‌سازی یافته‌های آن، جهت استفاده علمی و کاربردی. «فرا تحلیل در حوزه مطالعاتی دنیای امروز جایگاه ویژه‌ای دارد. استفاده از براین یافته‌های پژوهش‌های مختلف، جهت برنامه‌ریزی و اداره بخشی از جامعه یا کل آن، از مهم‌ترین عواملی

است که موجب اهمیت این نوع مطالعات شده است.» (شسر پانزل، ۱۹۹۷: ۴۲-۳۴۱) متأسفانه هنوز تحقیقات فرا تحلیل در میان پژوهشگران و سازمان‌های پژوهشی کشور ما ناشناخته است. حتی اگر شناختی از آن نیز وجود داشته باشد، موانعی جدی در مقابل انجام این تحقیقات وجود دارد.

تحقیقات در ایران رو به سوی فردگرایی و تجزیه‌گرایی دارد. میان تحقیقات هیچ‌گونه گفت‌وگویی وجود ندارد. انفصال ارتباط محققان در یک رشته مشترک، بی‌اطلاعی از تحقیقات متنوع در یک حوزه مشترک و محرمانه تلقی شدن نتایج پژوهش‌ها در برخی از سازمان‌ها و اداره‌ها از جمله عواملی است که مانع تعامل میان تحقیقات می‌شود. یک پژوهش‌هنگامی که در شرف اجراست، تنها به عنوان یک پروژه که برای فلان سازمان انجام می‌گیرد، به اجرا درمی‌آید. (صدیق سروستانی، ۱۳۷۹)

«فرا تحلیل مسبوق به تحلیل‌های موجود در یک حوزه علمی است. تأخیر بهره‌گیری از روش فرا تحلیل در جامعه ما بدین علت است که انبارهای دانش ما چندان مملو نیستند. پژوهش در جامعه ما هنوز جوان است. از این گذشته به دلیل ضعف روش‌شناسی و عدم ارتباط نظام‌مند پژوهش‌های انجام‌شده با یکدیگر در سال‌های مختلف، به نظر می‌رسد که وضعیت پژوهش در جامعه ما فرایند انباشتی خود را طی نمی‌کند. به عبارت دیگر، ترکیب و تدوین نتایج، به دلیل پراکندگی بیش از حد موضوعات مطالعه‌شده، عدم دسترسی دقیق به کلیه کارهای پژوهشی، پراکندگی و عدم ارتباط سازمان‌های تحقیقاتی و پژوهشی با یکدیگر، عدم تعامل و تبادل پژوهشگران با یکدیگر و عدم استفاده لازم و کافی از نتایج پروژه‌های مشابه، به سختی قابل تحقق است.» (همان)

گرچه تمام موارد بر شمرده شده در بالا، از یک طرف مشکلات انجام یک فرا تحلیل را می‌نمایند، اما از طرف دیگر تلاش برای نهادینه کردن تحقیقات فرا تحلیل می‌تواند گام مهمی در رفع همین موانع و کاستی‌ها باشد؛ چراکه اساس فرا تحلیل توجه و بررسی دقیق تحلیل‌های دیگران است و تداوم انجام تحقیقات فرا تحلیل سازوکارهایی را موجب می‌شود که به تدریج موانع فوق‌الذکر را از پیش پای پژوهشگران بر خواهد داشت.

فرا تحلیل، بر ایند پژوهش‌ها و تحلیل‌های گذشته برای دستیابی به نتایج کلی و کاربردی است. این روش می‌تواند در حوزه رسانه، زمینه مناسبی جهت برنامه‌ریزی رسانه‌ای برای مدیران رسانه فراهم کند.

در هر تحقیق، بخش ادبیات تحقیق می‌تواند تا حدودی نقش یک فراتحلیل را داشته باشد، اما معمولاً محققان، این بخش را به تحقیقاتی اختصاص می‌دهند که در خارج از کشور انجام شده‌اند.

فراتحلیل در ابتدا فقط در مورد پژوهش‌های کمی مورد استفاده قرار می‌گرفت، به این ترتیب که یافته‌های کمی تحقیقات مختلف را با کمک روش‌های پیشرفته آماری ترکیب می‌کردند و پس از حذف سوگیری‌های احتمالی نتایج جدیدی از آنها استنباط می‌نمودند (دلاور، ۱۳۸۰: ۳۰۹-۲۸۶). اما امروزه گستره استفاده از فراتحلیل با کمک تحلیل محتوا به عنوان یک تکنیک، تحقیقات کیفی را نیز دربرمی‌گیرد (صدیق سروسستانی، ۱۳۷۹). اما در جایی که حجم تحقیقات کیفی و کمی کمتر از آن است که بتوان در یک موضوع خاص تعداد قابل توجهی از آنها را فراهم آورد و براساس آنها دست به یک فراتحلیل زد، باید از سایر تحلیل‌ها - اگرچه وجه پژوهشی نداشته باشند - نیز بهره برد. البته در این صورت باید به تفاوت‌هایی که در میان این منابع به لحاظ جایگاه علمی، هدف نویسنده، گستره موضوعی که مورد بررسی قرار گرفته، شکل ارائه، و همچنین مخاطبانی که نویسنده مورد نظر داشته است، توجه داشت.

فراتحلیل هم می‌تواند ابزاری برای نقد و بررسی پژوهش‌ها، گزارش‌ها و نقد و بررسی‌های نویسندگانی باشد که به موضوع خاصی توجه داشته‌اند و هم ابزاری برای شناخت همه‌جانبه موضوعی که مورد توجه آن نویسندگان بوده‌اند. در صورت نخست، فراتحلیل ابزار کارآمدی خواهد بود برای تضارب آرای اندیشمندان و همچنین شکل‌گیری جماعت‌های علمی که مهمترین بستر توسعه دانش در یک جامعه است. در صورت دوم فراتحلیل ابزاری است سریع برای مطالعه یک موضوع خاص که از برابند تحلیل‌های دیگران در مورد آن موضع تشکیل شده و علاوه بر جامعیت بیشتر، کم‌هزینه و سریع است. در این مقاله ما به کاربرد دوم فراتحلیل بیشتر توجه داشته، آن را به عنوان روشی جهت نقد و بررسی برنامه‌های رادیویی مدنظر قرار خواهیم داد.

روش فراتحلیل

فراتحلیل مطالعه‌ای اسنادی است. از این بابت شبیه تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان می‌نماید، اما برخلاف آنها در فراتحلیل، جامعه آماری و میدان مطالعه، پژوهش‌ها و تحلیل‌هایی است که در گذشته انجام شده است. حال آنکه در تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان اگرچه جامعه آماری و میدان مطالعه آنها اسناد نوشتاری یا شنیداری و یا

دیداری است، اما این اسناد، اسنادی اولیه هستند؛ به این معنی که اسنادی پژوهشی و یا تحلیلی نیستند. به عنوان نمونه، اگر تحلیل محتوا و یا تحلیل گفتمان به مطالعه قسمت‌های یک سریال تلویزیونی و یا یک برنامه رادیویی می‌پردازند، در فراتحلیل، آنچه بررسی می‌شود، تحلیل‌ها، نظرات و گاه تحقیقاتی هستند که در مورد آن سریال یا برنامه انجام شده است. بنابراین تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان و پژوهش‌هایی از این دست، خود جامعه آماری و میدان مطالعه یک فراتحلیل هستند.

به لحاظ تفاوت فنی و تکنیکی، فراتحلیل نقاط قوت هر دو روش تحلیل گفتمان و تحلیل محتوا را در خود دارد. به لحاظ مسیر سیستماتیک و منظم، عینیت داده‌ها و شکل ارائه کمی همانند تحلیل محتواست؛ چراکه در واقع آنچه در یک فراتحلیل انجام می‌شود، تحلیل محتوای تحلیل‌های گذشته است. اما از آنجا که فراتحلیل دیدگاه‌های مختلف و تکرر معانی و استنباط‌ها و تحلیل‌های مختلف را در نظر دارد و حتی به روابط بینامتنی آنها نیز توجه می‌کند، در واقع گفتمان‌های مختلف را از طریق توجه به تحلیل‌های دیگران ملاحظه می‌نماید و از این حیث نقاط قوت تحلیل گفتمان را نیز در خود دارد.

به همین ترتیب، فراتحلیل از نقاط ضعف این دو روش نیز می‌رست. فراتحلیل برابند تحلیل‌های گذشته است؛ دستگاهی برای استنتاج از نتایج گذشته است و بدون آنکه خودش رویکردی نظری اتخاذ کند، چارچوب نظری پژوهش‌های گذشته را مورد توجه قرار می‌دهد؛ درحالی که تحلیل محتوا، جامعه آماری خود را از طریق تحمیل یک چارچوب نظری و مقولاتی متنوع از آن مورد بازخوانی قرار می‌دهد. به این ترتیب فراتحلیل دچار تصنع و مکانیک‌گرایی تحلیل محتوا نمی‌شود. همچنین از آنجا که محقق در فراتحلیل، تحلیل‌ها و دیدگاه‌های مختلف را بررسی می‌کند، نسبت به تحلیل محتوا از اعتبار بیشتری برخوردار است؛ چرا که در تحلیل محتوا، کدگذار براساس درک شخصی خود، محتوای واحد ثبت را تعیین می‌کند.

در مقایسه با تحلیل گفتمان، محقق، در فراتحلیل از تحلیلی که نویسندگان متعلق به گفتمان‌های مختلف، مثلاً در مورد یک برنامه رادیویی کرده‌اند، استفاده می‌کند، حال آنکه در

تحلیل گفتمان، خود محقق باید موقعیت برنامه مورد بررسی را در میان گفتمان‌های مختلف تشخیص دهد. از آنجا که اشراف تحلیلگر گفتمان بر گفتمان‌های مختلف محدودیت دارد، فراتحلیل که به جمع‌آوری نظرات گفتمان‌های مختلف در مورد آن برنامه می‌پردازد، از شمول و صحت بیشتری نسبت به تحلیل گفتمان برخوردار است. به‌طور کلی در فراتحلیل، میزان تأثیر گذاری ناخواسته محقق بر روند تحقیق، کمتر از تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان است.

مزیت دیگر فراتحلیل، سرعت و کم‌هزینه بودن آن در عین جامع بودن است. در فراتحلیل، از آنجا که جامعه آماری، تحقیقات، گزارش‌ها و نقد و بررسی‌های گذشته است، زمان و هزینه یک مطالعه فراتحلیل به نسبت بسیار کمتر از مطالعات تحلیل محتوا و یا تحلیل گفتمان در مورد یک موضوع مشابه خواهد بود؛ به‌ویژه اگر دسترسی وسیعی به تحقیق‌ها و تحلیل‌های دیگران وجود داشته باشد.

گزارش‌ها، نقد و بررسی‌ها و حتی تحقیقات زمان‌بر و هزینه‌بر زیادی انجام می‌شود، ولی کمتر به صورت هدفمند و نظام‌مند خوانده می‌شوند. کتابخانه بسیاری از سازمان‌ها انباشته از تحقیقاتی است که اغلب توجه جدی به آنها نمی‌شود. حتی مجلات علمی نیز کمتر و فقط برای پر کردن بخش ادبیات تحقیق برای محققان مورد استفاده قرار می‌گیرد. سایت‌ها و وبلاگ‌های حرفه‌ای هم بیشتر به‌طور تصادفی و از طریق موتورهای جست‌وجوگر، مخاطبان خود را می‌یابند. همه این منابع تحلیل‌ها و ایده‌های جالبی دارند که معمولاً از یکدیگر هیچ اطلاعی ندارند. به همین دلیل هر گاه نیاز به اطلاعات و نظرات و نقد و بررسی در یک موضوع وجود داشته باشد، سازمان مربوطه بدون توجه به همه منابع مذکور، اقدام به تحقیقی ابتدایی می‌کند که در واقع بخش قابل توجهی از آن تکرار همان مطالبی است که در منابع یادشده می‌توان یافت. در هر تحقیق، بخش ادبیات تحقیق می‌تواند تا حدودی نقش یک فراتحلیل را داشته باشد. اما معمولاً محققان، این بخش را به تحقیقاتی اختصاص می‌دهند که در خارج از کشور انجام شده‌اند. تأکید بر آموزه‌های نظری، تحقیق را از مطالعه تحلیل‌هایی که نویسندگان قبلی به طور مشخص در مورد همان موضوع پرداخته‌اند، بازمی‌دارد.

مهم‌ترین دشواری‌های فراتحلیل زمانی آشکار می‌شود که با مطالعات گوناگون در حوزه موضوعی مشترک مواجه می‌شویم. پیش از هر چیز ما با تحلیل‌های متعددی روبه‌رو هستیم که به لحاظ علمی بودن، اهداف تحلیل‌کننده، گستره موضوعی که مورد بررسی قرار گرفته است، شکل ارائه و مخاطبانی که نویسنده مورد نظر داشته است، با هم متفاوت هستند. در هنگام فراتحلیل باید به این تفاوت‌ها توجه داشت، هر دسته را جداگانه مورد بررسی قرار داد و یا از ابتدا الگویی برای ترکیب آنها طراحی کرد.

«با توجه به اینکه در فراتحلیل، پروژه‌های متعددی با نتایج متفاوتی از لحاظ غنای پژوهشی وجود دارد (یعنی برخی پروژه‌ها حاوی یافته‌های ناچیز و برخی نتایج خوب هستند)، بر مشکل این روش بیش از پیش افزوده می‌شود.» (صدیق‌سروستانی، ۱۳۷۹)

فراتحلیل به عنوان روشی برای بررسی برنامه‌های رادیویی

در فراتحلیل برنامه‌های رادیویی با طیف وسیعی از تحلیل‌ها مواجه هستیم که نه یک‌دست‌کردن آنها ممکن است و نه چشم‌پوشی از آنها پسندیده. به عنوان نمونه، همانطور که مطالعه و بررسی ایستگاه‌های رادیویی (فرهنگ، جوان، ورزش و...) می‌تواند موضوع یک پایان‌نامه دانشگاهی باشد، یک وبلاگ‌نویس حرفه‌ای و یا یک مجله هنری یا ورزشی نیز حرف‌هایی برای گفتن در مورد آن ایستگاه رادیویی دارد که ممکن است در آن پایان‌نامه دانشگاهی و یا مقاله‌ای علمی - پژوهشی که از آن تهیه شده است، یافت نشود. در عین حال سازمان صدا و سیما نیز هر از گاه علاوه بر نظرسنجی‌هایی که در مورد ایستگاه‌ها و برنامه‌ها می‌کند، ممکن است اقدام به تحقیق جهت ارزیابی موردی درباره یک ایستگاه یا یک برنامه خاص نماید. در هنگام فراتحلیل در عین توجه به همه این تحلیل‌ها باید تفاوت‌های آنها را نیز مد نظر داشت. می‌توان تحلیل‌های مختلف را دسته‌بندی کرد و هر دسته را جداگانه تحلیل نمود و در نهایت نتایج را با هم ترکیب کرد. حتی می‌توان از ابتدا الگویی طراحی کرد که در عین توجه به همه تحلیل‌ها، تفاوت‌های آنها را نیز مدنظر داشته باشد. در ادامه دسته‌بندی از منابعی که ممکن است تحلیل‌هایی در مورد ایستگاه و یا برنامه‌های رادیویی ارائه دهند عرضه شده است:

تحقیقات دانشگاهی:

- پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری؛
- همایش‌ها و جلسات سخنرانی؛
- مقاله‌های علمی - پژوهشی.

تحقیقات سازمانی:

- تحقیقات راهبردی؛
- تحقیقات ارزیابانه؛
- تحقیقات تحلیلی و موردی؛
- مقالات ترویجی، تخصصی و هنری.

نشرهای عمومی:

- کتاب‌ها، از ناشران معتبر و معروف؛ از ناشران نامعتبر و گمنام؛
- مجلات علمی - فرهنگی، علمی - ترویجی، علمی - تخصصی و هنری؛
- مجلات اطلاعات عمومی، ورزشی و حتی سرگرمی؛
- روزنامه‌های سیاسی، اقتصادی، اطلاعات عمومی و ورزشی.

منابع اینترنتی:

- سایت‌های علمی، خبرگزاری‌ها و روزنامه‌ها، سایت‌های سازمان‌ها و مؤسسات علمی و فرهنگی؛
- سایت‌های شخصی، دانشجویی و سایت‌های متعلق به انجمن‌ها و گروه‌ها؛
- سایت‌های تفریحی و سرگرمی و ورزشی؛
- وبلاگ شخصیت‌های علمی، هنرمندان، وبلاگ‌های دانشجویی و گروه‌ها و انجمن‌ها و وبلاگ وبلاگ‌نویسان حرفه‌ای.
- پس از آنکه تعداد قابل توجهی از تحلیل‌هایی که در گذشته صورت گرفت، فراهم آمد و براساس جایگاه علمی، هدف نویسنده، گستره موضوعی که مورد بررسی قرار گرفته است، شکل ارائه و مخاطبانی که نویسنده مورد نظر داشته است، دسته‌بندی شدند، آنگاه باید تحلیل‌هایی که در هر دسته قرار گرفته‌اند مورد بازبینی علمی و فنی قرار گیرند.
- در این مرحله باید اصولی ثابت برای بررسی و مقایسه منظم و متناسب با هر دسته تدوین کرد. به عنوان نمونه، در مورد منابع پژوهشی باید به بررسی و طبقه‌بندی براساس عناصر بنیادین پژوهش پرداخت. یعنی پژوهش‌ها را براساس عناوین، اهداف، مبانی نظری و تجربی آن، روش‌شناسی و در نهایت نتایج تحقیق را دسته‌بندی کرد و سپس با تکنیک تحلیل

محتوا به جمع‌آوری اطلاعات و در نهایت طبقه‌بندی‌های انجام‌شده پرداخت و یافته‌های تحلیل محتوا را تفسیر نمود.

به عنوان نمونه، برای انجام یک فراتحلیل در مورد برنامه‌های رادیو فرهنگ، باید اقدام به جمع‌آوری پژوهش‌ها و تحلیل‌های مختلفی که در مورد این رادیو انجام شده است اقدام کرد. کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها، مقالات علمی، حتی مقالات نقد و بررسی در مجلات عادی و سایت‌های اینترنتی نیز ارزشمند هستند. اکنون باید منابع گردآمده را طبقه‌بندی کرد. تحلیل‌کننده می‌تواند بنا به هدفی که در جست‌وجوی آن است، دسته‌بندی‌های متفاوتی انجام دهد، اما لازم است دلایل طبقه‌بندی خود را نیز ذکر کند.

به لحاظ جایگاه علمی می‌توان پایان‌نامه‌ها، مقالات علمی - پژوهشی و علمی - ترویجی، کتاب‌های علمی و آن دسته از سایت‌های اینترنتی که تنها سایت‌هایی علمی هستند را از مجلات غیرعلمی و سایت‌های اینترنتی، وبلاگ‌ها و روزنامه‌ها جدا کرد؛ به این ترتیب که یک بار به‌طور جداگانه به فراتحلیل دسته اول بپردازیم، بار دوم به فراتحلیل دسته دوم پرداخته، نتایج هر یک را به صورت مستقل ارائه دهیم و در ادامه برای فراتحلیل هر دسته از منابع مذکور باید دوباره طبقه‌بندی انجام دهیم.

در جدول زیر که فقط به عنوان نمونه ذکر شد، جامعه آماری بسیار محدود و فقط پنج مورد است.

اما در یک فراتحلیل معمولاً تعداد خیلی بیشتر را باید به عنوان نمونه مورد بررسی قرار داد. با این حال با توجه به داده‌های همین جدول نیز می‌توان مراحل یک فراتحلیل را بررسی کرد.

جامعه آماری مورد توجه در تحقیقات موردبررسی، از یک قسمت یک برنامه تا تمام تولیدات رسانه ملی را شامل می‌شود. به نظر می‌رسد تحقیقاتی که یک ایستگاه رادیویی و یا یک برنامه را بررسی می‌کنند، برای هدف ما (یعنی کسب اطلاع از نقاط قوت و ضعف یک رادیو) مفیدتر هستند. بازه زمانی مورد بررسی در تحقیقات مذکور سال ۱۳۸۳ تا سال ۱۳۸۶ است.

از میان پنج تحلیل موردبررسی، موارد سوم، چهارم و پنجم، در انتقادهای خود به موضوع مشابهی اشاره کرده‌اند که می‌توان همه آنها را با عنوان «کم‌توجهی به خرده‌فرهنگ‌ها» در یک مقوله قرار داد، در حالی که انتقادات مربوط به موارد اول و دوم را نمی‌توان در یک مقوله قرار داد. به این ترتیب می‌توان انتقادات را در نمودار شماره یک در سه مقوله نشان داد.

در ترسیم نمودار صفحه بعد تفاوت جامعه آماری در تحقیقات مورد بررسی لحاظ نشده است. ولی در تحقیق فراتحلیل باید ضریب‌هایی با توجه به هدف فراتحلیل برای جامعه آماری، روش تحقیق و حتی نوع اثر در نظر گرفته شود. در مورد پیشنهادها نیز همانند انتقادات، آنهایی

که موضوع مشابهی دارند را در یک مقوله قرار می‌دهیم. پیشنهادهای موارد اول، چهارم و پنجم به موضوع مشابهی توجه کرده‌اند که می‌توان آنها را با عنوان «گسترش رادیوهای محلی و تخصصی» قرار داد. موارد دوم و سوم نیز پیشنهادهای مختلفی ارائه داده‌اند که نمی‌توان آنها را در یک مقوله جای داد. بنابراین نمایش تصویری پیشنهادها را در نمودار شماره دو می‌بینیم.

شاید تصور شود که تعیین و حمایت از تریبون‌های سازمانی - به عنوان نمونه مجله یا سایتی اینترنتی که مخاطبان و نویسندگان نظرات خود در مورد برنامه‌های رادیو را در آن درج کنند - پاسخگوی این نیاز خواهد بود، اما از آنجا که فراتحلیل هرچه بیشتر احتیاج به تحلیل‌های حرفه‌ای دارد و اغلب نویسندگان حرفه‌ای کانال‌های مستقلی برای انتشار نظرات خود دارند، چنین سیاستی نمی‌تواند کمک چندانی برای نهادینه‌کردن روش فراتحلیل در بررسی برنامه‌های رادیویی بکند. شاید بهتر باشد گروهی از پژوهشگران، به‌طور روزآمد همه عناوین پژوهشی و رسانه‌ای را کنترل کرده، پس از گزینش تحلیل‌های مرتبط، آنها را به مسیر فراتحلیل سوق دهند. چنین اقدامی می‌تواند مکمل شایسته‌ای برای تحقیقات نظرسنجی سازمان باشد. در تحقیقات نظرسنجی معمولاً

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ردیف	نوع اثر	تاریخ اثر	تعلق گفتمانی اثر	روش پژوهش	گستره تحلیل (جامعه آماری)	انتقادات	پیشنهادات
۱	کتاب	۱۳۸۴	مکتب فرانکفورت	اسنادی کتابخانه‌ای	تمام تولیدات رسانه ملی	ترویج مصرف‌گرایی	گسترش مراکز محلی رسانه
۲	مقاله علمی - پژوهشی	۱۳۸۵	نامعلوم	تحلیل محتوا	یک شبکه رادیویی در طول سال ۸۴	حجم کم محتواهای آموزشی	ترکیب محتوای آموزشی و سرگرمی
۳	پایان‌نامه	۱۳۸۴	مطالعات فرهنگی	تحلیل گفتمان	یک برنامه رادیویی	توجه کم به گفتمان‌های مردمی	توجه به سبک‌های مختلف زندگی
۴	پایان‌نامه	۱۳۸۳	جهان وطنی	پیمایشی	شنوندگان یک برنامه رادیویی	بی‌توجهی به قومیت‌ها	تولید برنامه‌هایی در استان‌ها و خارج از کشور
۵	سایت علمی	۱۳۸۶	مطالعات فرهنگی	تحلیل ثانویه	یک قسمت از یک برنامه	کم‌توجهی به خرده‌فرهنگ‌ها	تأسیس شبکه ویژه برای خرده‌فرهنگ‌های همسو با فرهنگ

[اطلاعات این جدول ساختگی و فقط به عنوان مثال ذکر شده است.]

رضایتمندی عامه مخاطبان از برنامه‌ها سنجیده می‌شود، ولی یک اقدام منسجم در فراتحلیل می‌تواند زمینه مساعدی برای اطلاع از نظرات و تحلیل‌های نویسندگان حرفه‌ای و همچنین تعامل و گفت‌وگو با نخبگان علمی، فرهنگی و هنری جامعه فراهم آورد.

نتیجه

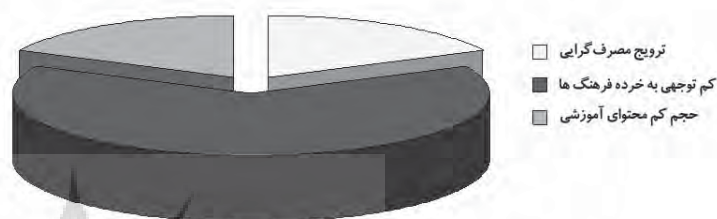
فراتحلیل، روشی است که از طریق آن می‌توان برابند پژوهش‌ها و تحلیل‌های گذشته در مورد یک موضوع خاص را کشف کرد و از این طریق به استنتاج نتایج کلی و کاربردی نایل آمد. در این مقاله نشان دادیم که می‌توان از فراتحلیل به عنوان روشی در بررسی و ارزیابی برنامه‌های رسانه‌ای از جمله رادیو بهره برد. همچنین به نقاط قوت این روش در مقایسه با تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان پرداختیم و تأکید کردیم که فراتحلیل در عین کم‌هزینه‌بودن و سریع‌بودن به انتقادهای عمده‌ای که در برابر روش‌های تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان وجود دارد، دچار نمی‌شود. در پایان پیشنهاد شد که فراتحلیل می‌تواند به عنوان مکملی برای تحقیقات نظرسنجی در مرکز تحقیقات سازمان صدا و سیما مورد استفاده قرار گیرد؛ چراکه تحقیقات نظرسنجی، نگرش عامه مردم در برابر برنامه‌های رسانه ملی را مورد بررسی قرار می‌دهد، ولی فراتحلیل نظرات پژوهشگران و نخبگان جامعه را منتقل می‌کند.

منابع و مأخذ

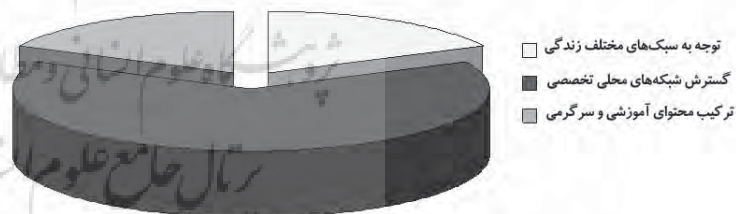
دلاور، علی (۱۳۸۰). **مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی**: تهران: رشد.
صدیق سروسستانی، رحمت‌الله (۱۳۷۹). «فراتحلیل مطالعات انجام‌شده در حوزه آسیب‌شناسی اجتماعی در ایران»، **نامه علوم اجتماعی**، شماره ۱۵، بهار و تابستان.

قاسمی اردهایی، علی (۱۳۸۵). «بررسی علل مهاجرت روستائیان به شهرها در ایران با فراتحلیل پایان‌نامه‌های تحصیلی»، **فصلنامه روستا و توسعه**، سال نهم، شماره اول.

Scherpenzeel, A(1997) "The Validity and Reliability of Survey Question: A Meta- analysis of MTMM Studies" *Sociological Methods and Research*. Vol. 25, No. 3.



نمودار ۱- این نمودار، انتقادهایی را که منابع مورد بررسی ارائه کرده‌اند، نشان می‌دهد.



نمودار ۲- این نمودار پیشنهادهایی را که منابع مورد بررسی ارائه کرده‌اند، نشان می‌دهد.